

نیروی کار در دوران پوتین: وضعیت طبقه‌ی کارگر روسیه

نویسنده: Paul T. Christensen

مترجم: پویا صابریزاده

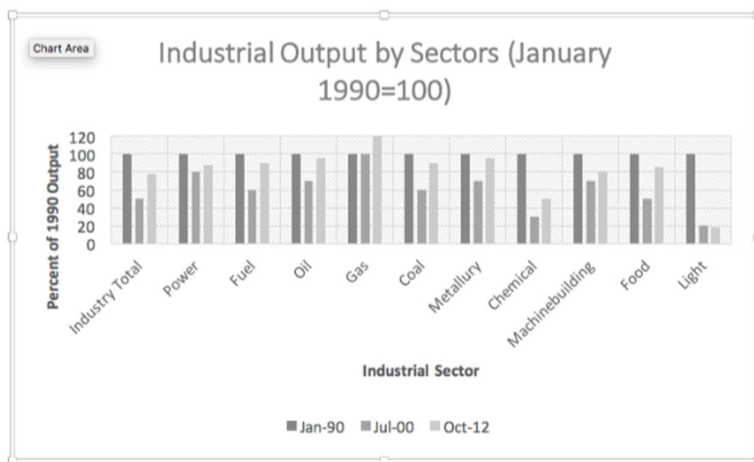
منبع: [Labor Under Putin: The State of the Russian Working Class \(cuny.edu\)](#)

سال انتشار مقاله: 8 دسامبر 2016

روسیه از سال 1991 شاهد تغییرات گسترده‌ای در پیکربندی اقتصاد، کنترل دارایی، تنظیم مجدد اشتغال بر اساس ناحیه، ارائه مزایای اجتماعی و ماهیت بازار کار بوده است. تأثیر این جابه‌جایی‌ها بر نیروی کار، کارگران، سازمان‌های کارگری و «سیاست تولید» قابل توجه بوده است. آنچه در پی می‌آید مروری بر تغییرات و (برخی تداوم‌هایی) است که کارگران روسیه تجربه کرده‌اند. توجه به این نکته مهم است که تنها با هشدارهای جدی می‌توان از «جنبش نیروی کار» در روسیه امروز سخن گفت. این گفته بدان معنی نیست که مبارزات کارگری مهمی رخ نمی‌دهد، بلکه حاکی از بستر سیاسی هرچه اقتدارگرایانه‌تری است که بسیج اجتماعی و همچنین رشد جنبش اجتماعی را دشوار می‌سازد^[1].

تغییر نیروی کار روسیه از سال 1991 تا 2016

حکایت اقتصاد روسیه در 25 سال گذشته، داستان اُفت‌های فاجعه‌باری است که از پی بهبودی نسبتاً طولانی و ناهموار صورت گرفته است. در نتیجه، کارگران روسیه با چشم‌انداز بسیار متفاوتی از آنچه در سال 1991 وجود داشت، روبرو هستند. بین سال‌های 1990 و 1998 تولید صنعتی در روسیه 60 درصد اُفت داشت و بخش صنایع سبک به 10 درصد سطح سال 1990 پایین آمد. علت مستقیم این سقوط ختمشی «شوک درمانی» بود که اساس صنعتی منسوخ روسیه را در معرض فشارهای غیرمتعارف بازار قرار می‌داد. در حالی که اقتصاد بازسازی شده بود، تولید صنعتی در سال 2015، تنها به 85 درصد از سطح تولید سال 1990 دست یافت. ناهمواری بهبود اقتصادی روسیه و عدم تعادل آن [در بخش‌های مختلف تولید] نیز مسئله‌ی قابل توجهی است. از بین تمام بخش‌های صنعتی تنها بخش گاز به‌طور مداوم از سطح تولید سال 1990 فراتر رفته است.



جدول شماره یک - بازده صنعتی به تفکیک بخش‌ها (1990=100).
منبع: اقتباس از ایلاریونوف^[1]

همان‌طور که آندری ایلاریونوف، مشاور اقتصادی سابق ولادیمیر پوتین خاطر نشان کرد: «تولید در همه‌ی شاخه‌های بزرگ صنعتی کاهش یافته است. شاخه‌ی ماشین‌سازی 16/4 درصد کاهش یافت. برون‌داد صنعت شیمی تقریباً به‌نصف اُفت کرد و صنعت روشنایی اساساً دیگر وجود نداشت^[2]. براساس ارقام «سازمان تجارت جهانی» برای سال 2014، سوخت و محصولات معدنی 70/3 درصد و همه‌ی تولیدات دیگر 20/8 درصد صادرات کالا از روسیه را تشکیل می‌دادند^[3].

این شوک به‌بازسازی بنیادین در جمعیت کارگری روسیه رهنمون شد. بنابر آمار دولتی روسیه بین سال‌های 1999 و 2015 کل جمعیت شاغل از 72 میلیون نفر به 68/5 میلیون نفر کاهش یافت. طی این دوره، روسیه بیش از 7 میلیون شغل تولیدی را از دست داد که بدین معنی است که کارگران صنعتی از 34 درصد نیروی‌کار به 18/7 درصد کاهش یافتند^[4] (برای مقایسه، طی همین دوره در آمریکا 4/5 میلیون شغل تولیدی از دست رفت، اما به‌عنوان درصدی از نیروی‌کار، این اُفتِ مشاغل از 14 درصد 9 درصد کاهش یافت^[5]). به‌عبارت دیگر، تأثیر اجتماعی و اقتصادی نسبی این امر [در آمریکا] بسیار شدیدتر بود. در همین زمان، کارگران در خُرده‌فروشی و کلی‌فروشی و «کی‌ترینگ» از 6/8 درصد نیروی‌کار در سال 1992 به 20/9 درصد در سال 2015 رسید. سومین دسته‌ی بزرگ کارگران امروز، حدود 8 درصد از نیروی‌کار را تشکیل می‌دهد که در بخشی استخدام‌اند که در سال 1992 حتی در فهرست هم نیامده بودند. بخش «مستغلات، اجاره و فعالیت‌های تجار»^[6]. طی این دوره‌ی 23 ساله، ده‌ها میلیون کارگر روسی نه تنها مجبور به‌تغییر شغل شدند، بلکه بسیاری مجبور شدند تمامی زندگی خود را به‌طور کامل از نو بسازند.

تأثیرات اقتصادی و اجتماعی نوسانات شدید در اقتصاد روسیه بر کارگران این کشور قابل توجه بوده است. بنابر داده‌های «بانک جهانی» سرانه‌ی تولید ناخالص داخلی روسیه از حدود 3485 دلار در سال 1991 به 1330 دلار در سال 1999 کاهش یافت، و بعد با افزایش قیمت گاز و نفت به‌سرعت بالا رفت و به 15543 دلار رسید و سپس به 9057 دلار در 2015 اُفت کرد^[7]. به‌هرروی، گویاتر این است که میانگین دستمزدهای واقعی در صنعت بین سال‌ها 1991 و 1999 حدود 57 درصد کاهش داشت و تا اواسط آخرین دهه‌ی قرن بیستم، بسته به‌بخش‌های مربوطه، به‌سطح 1991 نرسید^[8]. بیکاری از 3 درصد در سال 1992 به 14 درصد در سال 1998 رسید و اکنون [در سال 2016] علی‌رغم کاهش قیمت‌های نفت و تأثیرات تحریم‌های غربی حدود 5/4 درصد است^[9]. نرخ‌های بیکاری به‌طرز چشمگیری برای اشخاص زیر 24 سال بالاتر است و هیچ تفاوت آماری معنی‌داری در نرخ‌های بیکار بین زنان و مردان وجود ندارد^[10]. یک معیار نهایی برای شوک گذار، اُفت امید به‌زندگی است: بین سال‌های 1991 و 1994 امید به‌زندگی از 74 به 71 برای زنان، و از 64 به 57 برای مردان رسید، که برای مردانی که در سن کار بودند، بخصوص بسیار شدید بود^[11].

ساختار دگرگون شده‌ی مالکیت نیز به‌همین اندازه مهم است. در پایان دوران شوروی بیش‌تر دارایی‌ها در روسیه در تملک دولت بود، و چندین سال طول کشید تا در فرآیند بسیار فاسدی از خصوصی‌سازی تغییر کند^[12]. در سال 1992 بیش از 69 درصد جمعیت روسیه در بخش شهرداری یا دولتی کار می‌کردند، 10/5 درصد دیگر نیز در بخش‌های به‌لحاظ مالکیت خصوصی‌دولتی مشاغل بودند، درحالی‌که 19 درصد در بخش خصوصی کار می‌کردند. در سال 1992 تنها 3 درصد در شرکت‌های خارجی یا شرکت‌های سرمایه‌گذاری مشترک روسی‌خارجی کار می‌کردند. این اعداد تا سال 2015 تقریباً به‌طور کامل معکوس شده بود: 27/7 درصد از جمعیت شاغل در بخش دولتی/شهرداری کار می‌کردند، درحالی که 62 درصد در بخش خصوصی. تنها 5 درصد در بخش دولتی خصوصی یا «آمیخته» کار می‌کردند، درحالی که درصد کارکنانی که برای شرکت‌های خارجی یا سرمایه‌گذاری‌های مشترک روسی‌خارجی کار می‌کردند به 4/8 درصد افزایش یافته بود^[13].

تغییرات زمین‌لرزه‌گونه‌ی مذکور در بالا با جابه‌جایی‌هایی مرتبط است که کارگران روسیه از سال 1991 تجربه کرده‌اند. مثلاً، در اواخر دوران شوروی، بسیاری از بخش‌های زندگی خارج از کار یک

کارگر صنعتی «نمونه و معمولی» مستقیماً با محل کار او مرتبط بود. در بسیاری موارد مجتمع‌های مسکونی در مالکیت مراکز تولیدی بودند و بسیاری از خدمات اجتماعی از طریق محل کار ارائه می‌شد^[14]. بسیاری شهرهای روسیه «شهرهای شرکتی» کلاسیک بودند - تولیاتی، دیترویت روسی محسوب می‌شد؛ و ماگنیتوگورسک، بیت‌لحم آن بود. سرنوشت این شهرها و کارگران‌شان با ثروت این صنایع تغییر می‌کند. در مورد شرکت اتومبیل‌سازی آوتوواز در تولیاتی، مالی اونیل نویسنده‌ی کتاب *دمکراسی، فرهنگ مدنی و فعالیت‌های اقتصادی کوچک* در مناطق روسیه، چنین توجه می‌دهد: «آوتوواز در سال 2007 معرف تقریباً 40 درصد برون‌داد صنعتی منطقه‌ی سامارا بود و سهم بزرگی از درآمد مالیاتی منطقه به آن مربوط بود»^[15]. حتی از آن گویاتر این‌که «حدود 34 هزار نفر کارکنان آن هنوز در مجتمع‌های مسکونی آوتوواز زندگی می‌کنند و تا اواخر 2010 هم دست‌کم از برخی خدمات اجتماعی که توسط شرکت فراهم می‌شد، برخوردار بودند، اما کاهش 115 هزار نفر به 34 نفری که زمانی در آوتوواز استخدام شده بودند، کاهش نسبی شدیدی را نشان می‌دهد»^[16]. تجربه‌ی آوتوواز گویای آن‌چیزی است که در سراسر روسیه رخ داده است: مدیران و کارگران برای حفظ عملیاتی بودن این سرمایه‌گذاری نهایت تلاشی را که می‌توانستند انجام دادند تا از منافع خود (که گاه رقابت‌آمیز هم بود) در این فرآیند دفاع کنند.

اتحادیه‌های کارگری، قانون‌گذاری و مناسبات قدرت

طی دوران شوروی عملاً همه‌ی کارگران عضو اتحادیه بودند، اما نقش اولیه اتحادیه‌ها در دوران شوروی دفاع از منافع کارگران نبود. اتحادیه‌ها بازوی دستگاه حزبی-دولتی برای اجرای سیاست حزب کمونیست در محل کار و توزیع خدمات اجتماعی، طراحی شده بودند^[18]. همه‌ی اتحادیه‌های شوروی متعلق به «شورای مرکزی اتحادیه سراسری اتحادیه‌های کارگری» (VTsSPS) بودند که دستگاه دیوان‌سالارانه‌ی قدرتمندی برای نظارت بر «دارایی اساسی... [بود، و] همچنین کنترل منابع مالی قابل توجهی» را به عهده داشت^[19]. اکثر کارگران شوروی به‌خودی خود، و نه از روی باور، اعضای اتحادیه محسوب می‌شدند، چراکه عضویت در اتحادیه خودبه‌خوی و به‌صورت خودکار انجام می‌شد. در واکنش به این وضعیت در اواخر دوران شوروی و اوائل دوران پس از شوروی اتحادیه‌های مستقل جدیدی پدید آمدند.

برجسته‌ترین این اتحادیه‌ها، اتحادیه مستقل معدن‌چیان بود؛ که سایر اتحادیه‌ها (از جمله اتحادیه مهندسان لوکوموتیو، اتحادیه لانگشورمین (باراندازان)، اتحادیه خلبانان خطوط هوایی، اتحادیه کنترل‌کنندگان عبور و مرور هوایی و اتحادیه ملوانان) هم به‌دنبال آن حرکت می‌کردند. این اتحادیه‌ها از کارگران ماهری تشکیل شده بودند که به‌سادگی قابل جایگزینی نبودند. این امر به اتحادیه‌ها در چانه‌زنی قدرت نفوذی می‌داد که بتوانند فشار بیش‌تری بیاورند، اما مانع از آن می‌شد که عضویت‌شان را به‌سادگی توسعه بخشند. با این حال، تا پایان دوران شوروی، روسیه دو ساختار اتحادیه‌ای جداگانه و رقیب داشت. در سال 1990 «شورای مرکزی اتحادیه سراسری اتحادیه‌های کارگری» (VTsSPS) جای خود را به «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» (FNPR) داد که اساساً همان سازمان با همان دستگاه بود.

یلتسین برای جلب حمایت رهبری «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» (FNPR) و بورکراسی آن از خودش و همچنین تحت نظارت قرار دادن ناآرامی‌های نیروی کار - تقریباً تمامی منابع دستگاه اتحادیه‌ای شوروی قدیم را در اختیار آن قرار داد. «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» از آن زمان تاکنون حفظ شده است، [زیرا] رژیم فعلی، این سازمان را ابزار مناسبی برای مدیریت مسائل کار می‌یابد^[20]. گرچه اتحادیه‌های مستقل ساختارهای سازمانی جداگانه‌ی خود را حفظ کردند، اما در سال 1995 اغلب آن‌ها گردهم آمدند تا «کنفدراسیون کار روسیه» (KTR) را تشکیل دهند^[21].

«فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» (FNPR) سازمان فراگیری است که اتحادیه‌های «رسمی» در روسیه را دربرمی‌گیرد.

پژوهش‌گر نیروی کار در روسیه [ایرینا المپیکووا]، اساس روی‌کرد «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» به‌فعالیت‌های اتحادیه‌ای را در این استدلال می‌بیند: «از ایدئولوژی «مشارکت اجتماعی» بهره می‌گیرند و بر اشتراک منافع در میان کارکنان و کارفرمایان تأکید دارند. این‌ها به‌خوبی در نظام مشارکت اجتماعی روسیه جاافتاده‌اند و ادعا می‌کنند که یگانه نماینده انحصاری حقوق تمامی کارکنان روسی‌اند»^[22]. این در حالی است که «اتحادیه‌های فدراسیون مستقل روسیه» تنها نماینده کارکنان روسی در روی زمین نیست؛ آن‌ها [فقط] 27 تا 30 درصد جایگاه اتحادیه‌ای را در کمیسیون سه‌جانبه‌ی روسیه در اختیار دارند که به‌مناسبات کار و مقررات اجتماعی مسائل کارگری می‌پردازد^[23]. همچنان‌که پیش از این نیز متذکر گردید، این اتحادیه‌ها سازمان‌های دیوان‌سالارانه‌ای هستند که طراحی شده‌اند تا «هم‌آهنگی اجتماعی» در محل کار را تأمین کنند، خدمات اجتماعی ارائه دهند و از برخورد و ستیز کارگری به‌هر بهائی که شده باشد، حتی در مقابله با شکایت کارگران، جلوگیری کنند.

اتحادیه‌های مستقل نیز در فرآیند «مشارکت اجتماعی» شرکت می‌کنند و 3 نماینده هم در کمیسیون دارند، اما به‌احتمال زیاد درگیری آن‌ها به‌عنوان فعالیت اتحادیه‌ای شباهت بسیاری با آن چیزی دارد که در فرب معمول است. اتحادیه‌های مستقل، در طول سال‌ها اعتصابات خود را سازماندهی کردند و از اعتصابات بدون برنامه قبلی و بدون طراحی و خودجوش و دیگر صورت‌های اعتراض خودانگیزته‌ی کار حمایت کرده‌اند.

آموزنده است که «حکایت» اصلی در وب‌سایت «فدراسیون مستقل اتحادیه‌های روسیه» (FNPR) در سپتامبر 2016 مربوط به هم‌آیش «دنیای کار در قرن بیست‌ویکم» بود، در حالی که وب‌سایت «کنفدراسیون کار روسیه» (KTR) گزارشی در باره‌ی اعتراض مسئولان اتحادیه به Danone Russia به‌دلیل عدم اجرای توافق این کشور برای شاخص دستمزدها منتشر کرد. در حالی‌که کار اتحادیه‌های مستقل به‌علت دگرگونی و تغییرات در قانون کار دشوارتر شده است (که در بررسی پیش‌تر به آن می‌پردازیم). این اتحادیه‌ها مهم‌ترین نیروی سازمان‌دهنده برای کارگران در روسیه امروز محسوب می‌شوند.

یکی از جنبه‌ی ناامیدکننده‌ی تحلیل سیاست‌های کارگری در روسیه این است که داده‌های صحیحی درباره‌ی عضویت در اتحادیه‌ها وجود ندارد. نه «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» و نه «کنفدراسیون کار روسیه» شمار اعضای خود را در سطح کشوری منتشر نمی‌کنند و به‌گفته‌ی پتر بیزبوکوف (تحلیل‌گر برجسته‌ی نیروی کار): «آمارهایی که برحسب بخش و منطقه باشند یا اصلاً وجود ندارند و یا ناقص یکدیگرند»^[24]. ارقام «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» حاکی از آن است که عضویت در همه‌ی اتحادیه‌هایش از 28 میلیون نفر در سال 2006 به 21 میلیون نفر در اوائل 2015 اُفت کرده است^[25]. به‌هر روی، این رقم تأثیر واقعی بر فعالیت‌های «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» ندارد. به‌گفته‌ی بیزبوکوف «معمولاً» «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» شمار اعضای را زیاده برآورد می‌کند، به‌موجب این واقعیت که این [ارقام] شامل اعضای رسمی است که عضو اتحادیه‌اند، اما هیچ نوع ارتباطی با آن ندارند و گاه حتی نمی‌دانند که عضو اتحادیه هستند»^[26]. مشکل شمار اعضا برای اتحادیه‌های مستقل شبیه همین است، اما به‌دلایلی دیگر. عضویت در اتحادیه‌های مستقل می‌تواند برای کارگران خطرناک باشد: سازمان‌دهندگان اتحادیه و اعضای آن عملاً در بیش از یک بار مورد تهاجم فیزیکی قرار گرفته یا اخراج شده‌اند. در نتیجه اتحادیه‌های مستقل اعضای قطعی خود را منتشر نمی‌کنند. دامنه‌ی عموماً پذیرفته شده برای عضویت در اتحادیه‌های مستقل در مجموع بین 2 و 2/5 میلیون نفر است، اگرچه این شامل کارگرانی نمی‌شود که به‌صورت «غیررسمی» یا به‌صورت هوادار با اتحادیه مرتبط‌اند.

قانون کار روسیه که در سال 2002 عملی شد، حتی باعث اختلال بیش‌تری هم در جنبش اتحادیه‌ای شد. این قانون به‌طور جدی حقوق اتحادیه‌ها را محدود می‌کند: اتحادیه‌ها حق خود را برای جلوگیری از اخراج کارگر بنا برخواست مدیریت از دست دادند؛ آن‌ها حق خود را برای فراخوان اعتصاب (که این

زمان باید توسط کارکنان همان فعالیت اقتصادی به‌طور کلی مورد تصویب قرار می‌گرفت) از دست دادند؛ تعداد بخش‌هایی که اعتصابات در آن‌ها غیرقانونی بود، افزایش پیدا کرد؛ و همبستگی در زمینه‌ی اعتصابات نیز منع‌گردید^[27]. تصویری تقریباً مضحک از این امر را می‌توان در پیوست سالنامه‌ی آماری سال 2015 روسیه مشاهده کرد که در آن مدخل «تعداد سازمان‌هایی که در آن‌ها اعتصاب رخ داده بود» از 11162 در سال 1998 به 80 مورد در سال 2002 کاهش یافته بود و سپس از سال 2008 تا 2014 به‌میانگین 4 مورد در سال اُفت کرد^[28]. این تعداد فقط در صورتی ممکن است که دولت روسیه تنها اعتصابات «قانونی» را به‌حساب آورده باشد؛ بنابر منابعی که «مرکز حقوق کار و اجتماعی» جمع‌آوری کرده است، در سال‌های اخیر تعداد اعتراضات کار بیش از یک مورد در روز بوده است. این قانون همچنین استقرار اتحادیه در کارخانه‌ها را برای اتحادیه‌های مستقل دشوار می‌سازد، بخصوص هنگامی که یکی از اتحادیه‌های «رسمی» از قبل در کارخانه‌ای حضور داشته باشد، چون «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» برای پیش‌گیری از سازمانده‌ی اتحادیه مستقل به‌طور فعال با مدیریت همکاری می‌کند^[29]. وضعیت جنبش اتحادیه‌ای روسیه در بهترین شکل خود غامض و گیج‌کننده است. چنانچه بالاترین برآورد عضویت اتحادیه‌ای (از جمله «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» را) در نظر بگیریم، از سال 2015، تقریباً 24 میلیون کارگر عضو اتحادیه‌ها بودند. این امر تراکم اتحادیه را زیر 35 درصد قرار می‌دهد که در مقایسه با آمریکا و «سازمان توسعه‌ی همکاری اقتصادی» بسیار بالاست (به‌ترتیب 10/7 درصد و 16/7 درصد)^[30]. به‌هر روی، این آمار و ارقام تا حدود زیادی توهمی است، چراکه «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» بیش‌تر بازوی دولت است تا بخشی از جنبش اجتماعی باشد. اگر تنها اتحادیه‌های مستقل را به‌حساب بیاوریم، این رقم به 3/5 درصد نزدیک‌تر است. ضعف اتحادیه‌های کارگری روسیه، روی هم‌رفته در داده‌های عقیده‌ی عمومی بازتاب می‌یابد. در گزارش سالانه‌ی مرکز نوادا (تنها سازمان بررسی مستقلی که در روسیه باقی مانده است)، اتحادیه‌های کارگری سرانجام در فهرست 22 عامل تأثیرگذار در روسیه قرار گرفتند. پوتین اول از همه آمده و پس از آن سرویس امنیت فدرال و نیروهای مسلح قرار داشتند^[31].

اعتراضات کار در روسیه

علی‌رغم فضای سیاسی دشمن‌خو و قوانین محدودکننده‌ی نیروی کار، اعتراضات کارگری در روسیه امری معمول است و به‌لحاظ تعداد و شدت روبه‌افزایش بوده است. بنابر مرکز «حقوق اجتماعی و کار» تعداد میانگین اعتراضات کار از سال 2008 تا 2014، 241 مورد بوده است؛ در سال 2015، 409 مورد، و برای 8 ماهه‌ی نخست 2016، 251 مورد بوده است. «شدت» اعتراضات تا اواسط 2016 به‌طرز چشم‌گیری نسبت به‌سال‌های قبل افزایش یافت. معیار رایجی که برای تعیین «شدت» به‌کار می‌رود، درصد اعتراضات «توقف کار» به‌عنوان درصدی از همه‌ی اعتراضات در یک دوره‌ی معین است. درحالی‌که این تعداد به‌طرز چشم‌گیری ماه به‌ماه تغییر می‌کند، درصد اعتراضات «توقف کار» در سال 2015-2016 به‌سطحی رسید که از سال‌های 2008 تا 2009 مشاهده نشده بود^[32]. داده‌های جدید برای چندین ماه گذشته در سال 2016 حاکی از کاهش در تعداد اعتراضات و درصد توقف کار است که می‌تواند به‌علت تعدادی از درگیری‌های چشم‌گیر در آستانه‌ی انتخابات پارلمانی اخیر مرتبط باشد^[33].

جدول شماره دو - اعتراضاتی که موجب توقف کار شد را به‌عنوان نسبتی از اعتراضات کار به‌طور کلی در ژانویه 2008 تا ژوئیه 2016 نشان می‌دهد

منبع: بیزیوکف TsSTp

{{توضیح مترجم: این جدول در اصل مقاله و سایت‌های مرتبط نیز در دسترس نیست}}

اعتراضات کارگری در روسیه تقریباً اقداماتی از پیش نیندیشیده، خودانگیخته و یا اقداماتی توسط اتحادیه‌های مستقل است. این اعتراضات به‌لحاظ منطقه‌ی جغرافیایی و بخش‌های اقتصادی به‌طور گسترده‌ای پراکنده‌اند و کارگران در بخش‌های دولتی و خصوصی -هر دو- را دربرمی‌گیرند.

برخی اقدامات عمده در مناطقی که با بیشترین اعتراضات همراه بوده است، عبارتند از: بستن بزرگراه‌های عمده از سوی کارگران در تولیاتی (کانون غول اتومبیل‌سازی: آوتوواز)، رانندگان کامیون که به علت پرداخت عوارض جاده‌ای جدید که مورد مناقشه بود، جاده‌ی کمربندی مسکو را بند آوردند، کارگران در ورخسنینیاچیخینسکوو (کارخانه‌ی ذوب فلز) که اعتصاب غذا کردند، و اعتراضات کارگران در تولید آجر آزبست بر سر دستمزد و شرایط زندگی^[34]. در این رابطه یک نکته‌ی مهم دیگر این است که تعداد بسیار کمی از این اعتراضات به‌عنوان اعتراضات «بین‌منطقه‌ای» ثبت شده‌اند. این نشان‌دهنده‌ی این است که علی‌رغم این واقعیت که اعتراضات کارگری گسترده و متراکماند، اما بین مناطق یا بخش‌ها هم‌آهنگی وجود ندارد - که این نیز نشانه‌ای است که هیچ ارتباط سازمانی که بتواند کارگران را در سراسر کشور متحد کند، وجود ندارد. بخش‌هایی که به‌طور پیوسته بیشترین صف اعتراضات را تجربه می‌کنند، عبارت‌اند از: تولید (که شامل معدن هم می‌شود)، حمل‌ونقل و ارتباطات، ساختمان، آموزش و مراقبت‌های سلامت، اما با گسترش اعتراضات به‌بخش‌های بیش‌تر اقتصاد (مانند بخش‌های مصارف عمومی و خرده‌فروشی)، تسلط این بخش‌ها کم‌رنگ‌تر می‌شود^[35]. شدیدترین اعتراضات - یعنی، اعتراضاتی که متضمن توقف و گند کردن کار است - همچنان به‌طور عمده در تولید، حمل‌ونقل و ارتباطات، ساختمان، مسکن و بخش‌های مصارف عمومی واقع می‌شود^[36]. موارد توقف کار به‌طور چشم‌گیری افزایش یافته است، بخصوص در بخش‌های ساختمان، مسکن و مصارف عمومی.

برجسته‌ترین نکته درباره‌ی اعتراضات کار در روسیه امروز علت اکثر این اعتراضات است، خواه مورد توقف کار یا موارد دیگر باشد. از سال 2011 دلیل غالب برای اعتصابات یا اعتراضات کارگری نپرداختن دستمزد بوده است. از موارد ذکر شده در بالا، به‌استثنای اعتراض رانندگان کامیون در مسکو، تمامی اقدامات نیروی کار نتیجه‌ی نپرداختن دستمزد بوده است. در هشت ماه اول سال 2016، 53 درصد از اعتراضات کارگری به‌دلیل عقب افتادگی دستمزدها بود که بالاترین رقم در هشت سال گذشته است. از سال 2013 میانگین دوره‌ی معوقه‌ی دستمزدها 3/5 ماه بوده است.

وضعیت به‌قدری جدی شده بود که دولت روسیه تغییراتی را در قانون کار ایجاد کرد که بخش‌نامه‌های محدودسازنده‌ی درخواست برای معوقه‌ی دستمزد را از 3 ماه به یک سال رساند؛ این [تغییر در قانون کار] ضمن این‌که به‌کارگران اجازه می‌دهد تا پرونده‌های [مربوط به دستمزد معوقه‌ی] خود را نه تنها در منطقه محل کارشان، بلکه هم‌چنین در محل سکونت دائمی خود نیز تشکیل دهند، در عین حال نرخ خسارت‌هایی را که کارگران می‌توانند برای نپرداختن دستمزد تقاضا کنند، دوبرابر شد و جریمه‌ی کارفرمایان نیز افزایش داد^[37].

تصمیماتی مخالف برانگیز از سوی مالک یا مدیریت کارخانه، دومین دلیل گسترده‌ی (حدود 34 درصد) اعتراضات کارگری است.

این مقوله مسائل مختلفی را دربرمی‌گیرد که از مورد تا به‌مورد متفاوت است، اما معمولاً متضمن «تغییراتی در عرصه‌ی کارگری-اجتماعی فعالیت تولیدی» است که وضعیت کارگران را وخیم‌تر می‌سازد و می‌تواند متضمن هر چیزی، از تجدید سازمان فعالیت اقتصادی گرفته تا برون‌سپاری مشاغل به شرکتی دیگر و ورشکستگی هم باشد. اعتراضات در بیش‌تر این موارد به‌این دلیل افزایش می‌یابد که «این‌گونه اقدامات بدون توافق کارگران و به‌عنوان امری انجام شده» از سوی مدیریت ارائه می‌شود^[38]. با توجه به این‌که «سیاست‌های تولید» به‌شیوه‌ای بنا شده‌اند که الگوی «مشارکت اجتماعی» را به‌شدت به‌سوی منافع سرمایه‌دار تغییر جهت می‌دهد، این شیوه‌ی عمل‌کرد از سوی مدیریت شرکت‌ها تعجب‌آور نیست. ال‌مپی‌پوا به‌صورت موجز چنین می‌گوید: «از این روست که بنا به‌گفته‌ی یکی از مدیران کمیته‌ی اتحادیه‌های کارگری، امروز نمی‌توان از مشارکت اجتماعی در فعالیت‌های اقتصادی روسیه سخن گفت، بلکه باید "از نوعی همزیستی اجتماعی سخن گفت، [البته] در صورتی که کارفرما خواستار آن باشد»^[39]. با توجه به‌همه‌ی این‌ها، دیگر جای تعجب نیست که از سال 2010 تاکنون فقط 9 درصد از اعتراضات نیروی کار مطابق مقررات قانون کار انجام شده است. بقیه اعتراضات عملاً غیرقانونی بوده‌اند. در عین

حال، این اعتراضات به هیچ وجه معنای مستقیم سیاسی نداشته است، مگر تا آنجا که بازتاب ناکارآمدی نظام موجود در زمینه‌ی نمایندگی منافع کارگران بوده باشد. در واقع، غیرمعمول نیست که کارگران به دولت یا به شخص ولادمیر پوتین توسل جویند تا از طرف آن‌ها [و به نفع آن‌ها] مداخله کنند. مثلاً، گروهی از کارگران در منطقه‌ی آمور «نامه‌ای» به پوتین درباره‌ی خوابگاه‌های‌شان با این عبارت نوشتند که «کارگران را نجات دهید» و «4 ماه بدون حقوق، ما می‌خواهیم کار کنیم»^[40]. در این مورد، اعتراض مؤثر بود: سخنگویی از سوی کارگران با پوتین در یکی از نمایش‌های تلویزیونی تلفنی مشهورش صحبت کرد و حقوق کارگران پرداخت شد^[41]. این رویداد بی‌نظیر را باید در بستری دید که در آن، علی‌رغم تبلیغات، درصد روزافزونی از جمعیت روسیه اعتصابات را به عنوان امری ناکارآمد، غیرقابل قبول می‌دانند^[42]. نگاه به این اعداد و ارقام هنگامی توجه بر انگیز می‌شود که مسائل اقتصادی روسیه تأثیری منفی بر بخش گسترده‌تری از جمعیت داشته باشد.

کارکردن بدون هیچ توهمی

کارگران روسیه در تلاش برای منافع‌شان هزاران استراتژی به‌کار برده‌اند، اما همچنان که شواهد بالا نشان می‌دهد، به لحاظ سازمانی، حقوقی و سیاسی نیز با موانعی چشم‌گیری روبرو می‌شوند. برای اکثریت بزرگی از کارگران روسیه اتحادیه‌های کارگری به‌موجب یگانه‌نگری رسمی «فدراسیون اتحادیه‌های مستقل روسیه» و موانع انبوهی که اتحادیه‌ها و فعالین اتحادیه‌های مستقل با آن روبرو هستند، سازوکار ناکارآمدی برای پیشبرد منافع‌شان از کار درآمده است. به همین دلیل است که این مقاله از اصطلاحاتی چون «جنبش اتحادیه‌ای» یا «جنبش نیروی کار» در بستر روسیه معاصر اجتناب ورزیده است - البته بی‌آنکه هیچ چیزی را از کسانی انکار کنیم که سالیانه به‌تلاش برای برپایی چنین جنبش‌هایی ادامه می‌دهند.

اتحادیه‌های مستقل در روسیه در خط مقدم بسیاری از اعتراضات کارگری بوده‌اند که طی چندین سال گذشته رخ داده است، و نشان داده‌اند که هوادارانی شجاع و مؤثر برای حقوق کارگران‌اند و نبردهایی را بر سر دستمزد و شرایط کار چه در اعتصاب خط تولید و چه در دادگاه به‌پیروزی رسانده‌اند. با این حال، اکثر اعتراضات کارگری که از سال 2000 تا کنون رخ داده، اعتصابات خودانگیخته و بدون برنامه قبلی بوده است: این‌ها گاهی از سوی کمیته‌های اتحادیه‌های محلی سازماندهی شده‌اند، و گاهی هم توسط کمیته‌های موقت متشکل از کارگران راهبری شده‌اند که در پاسخ به‌وخامت روزافزون وضعیت دستمزد و شرایط کار بوده است. روشن نیست که آیا این موج اخیر از اعتراضات کارگری ادامه خواهد یافت یا شکل‌های تازه‌ای از تشکل کارگری از دل آن بیرون خواهد آمد. به‌طور کلی، دولت روسیه با کنش‌گری اجتماعی هم‌دردی نمی‌کند. با این اوصاف، به‌نظر می‌رسد که کاسه‌ی صبر کارگران روسیه دارد لب‌ریز می‌شود.

منابع:

[1] Adapted from Andrei Illarionov, "Industrial Catastrophe in Post-Soviet Russia," *Cato at Liberty*, May 1, 2013, 12:02pm, accessed 20 September 2016 (<http://www.cato.org/blog/industrial-catastrophe-post-soviet-russia>).

[2] Andrei Illarionov, "Industrial Catastrophe in Post-Soviet Russia," *Cato at Liberty*, May 1, 2013, 12:02pm, accessed 20 September 2016 (<http://www.cato.org/blog/industrial-catastrophe-post-soviet-russia>). See also "Russia in Figures 2016," *Federal'naya sluzhba gosudarstvennoi statistiki*, available at: www.gks.ru.

[3] World Trade Organization, *Trade Profiles 2015*, p. 151.

[4] Simon Clarke, *The Formation of a Labour Market in Russia*, (Cheltenham, UK: Edward Elgar, 1999), Table 6.3, p. 296; the 18.7% number comes from combining the figures for the manufacturing

sector, the mining and quarrying sector, and the electricity, gas, and water supply sector. See *Russia in Figures 2016*, section 6.4.

[5] Robert E. Scott, *The Manufacturing Footprint and the Importance of U.S. Manufacturing Jobs*, Economic Policy Institute Briefing Paper #388, January 22, 2015 (<http://www.epi.org/publication/the-manufacturing-footprint-and-the-importance-of-u-s-manufacturing-jobs/>); Bureau of Labor Statistics, *Charting the labor market: Data from Current Population Survey (CPS)*, October 7, 2016 (http://www.bls.gov/web/empsit/cps_charts.pdf).

[6] *Russia in Figures 2016*, section 6.4.

[7] The numbers are from: <http://data.worldbank.org/indicator/NY.GDP.PCAP.CD?locations=RU>

[8] IMF Staff Country Report No. 00/150, November 2000, *Russian Federation: Selected Issues*, p. 32; see also the section entitled “Dokhodyi i raskhodyi naseleniia,” in *Rossiiia v tsifrakh*, 2003 through 2015.

[9] See Trading Economics at: <http://www.tradingeconomics.com/russia/unemployment-rate>.

[10] “Rabochaia sila, zaniatost’ i bezrobotitsa v Rossii,” *Federal’naya sluzhba gosudarstvennoi statistiki*, available at: http://www.gks.ru/free_doc/doc_2016/rab_sila16.pdf

[11] Timothy Heleniak, “Population Trends,” in Stephen K. Wegren, *Return to Putin’s Russia*, Fifth edition, (Lanham: Rowman & Littlefield, 2013), pp. 154-155.

[12] There are a number of interesting and competing accounts of this process. See, for example, Chrystia Freeland, *The Sale of the Century: The Inside Story of the Second Russian Revolution*, (UK: Abacus, 2005); Anders Aslund, *How Capitalism Was Built*, (Cambridge, UK: Cambridge University Press, 2007); Peter Reddaway and Dmitri Glinsky, *The Tragedy of Russia’s Reforms*, (Washington D.C.: United States Institute of Peace Press, 2001).

[13] *Russia in Figures*, section 6.3. For more detail on individual and small business, see Molly O’Neal, *Democracy, Civic Culture and Small Business in Russia’s Regions*, (London: Routledge, 2016)

[14] For example, day-care services were provided by the workplace; vacations were organized through the workplace; goods that were in short supply were provided by the workplace; and sometimes even the main meal of the day was eaten at work.

[15] O’Neal, *Democracy, Civic Culture, and Small Business in Russia’s Regions*, p. 80.

[16] O’Neal, p. 91.

[17] The best accounts of how these processes played out are Simon Clarke, *The Formation of a Labour Market in Russia*, and Claudio Morrison, *A Russian Factory Enters the Market Economy*, (Abington: Routledge, 2008).

[18] There is a large literature on this subject. See Sarah Ashwin and Simon Clarke, *Russian trade unions in transition*, (New York: Palgrave, 2003); Paul T. Christensen, *Russia’s Workers in Transition*, (DeKalb: Northern Illinois University Press, 1999); Linda Cook, *Labor and liberalization: Trade Unions in the New Russia*, (New York: The Twentieth Century Fund Press, 1997).

[19] Irina Olimpieva, “Labor Unions in Contemporary Russia: An Assessment of Contrasting Forms of Organization and Representation,” *Working USA*, Volume 15, June 2012, p. 268. I would disagree with Olimpieva that the VTsSPS had *extensive* political power, particularly when compared to the industrial ministries and enterprise directors as a “corporate” interest.

[20] For a detailed discussion, see Simon Clarke, Peter Fairbrother, Michael Burawoy & Pavel Krotov, *What About the Workers*, (London: Verso, 1993), pp. 181-185; Christensen, *Russia’s Workers in Transition*, pp. 109-114.

[21] The organization soon split into two associations—the Russian Confederation of Labor and the All-Russian Confederation of Labor—which reunited organizationally in 2011. See the sections of the Russian Confederation of Labor’s website (www.ktr.su) “Kratkaya istoriya” and “Organizatsiya” for the evolution of the organization and its current organizational structure.

[22] Olimpieva, “Labor Unions in Contemporary Russia,” p. 271

[23] The full list is available on the official Russian government website: <http://government.ru/info/22197/>.

[24] Personal communication with Petr Biziukov of the Center for Social and Labor Rights, Moscow, 9/21/2016.

[25] See Olimpieva, p. 270 for data up to 2010; for 2015, see the report of the FNPR’s Ninth Congress at: <http://www.fnpr.ru/n/2/15/305/10431.html>.

[26] Personal communication with Petr Biziukov of the Center for Social and Labor Rights, Moscow, 9/21/2016.

[27] The labor code can be found at: <http://www.ilo.org/dyn/natlex/docs/WEBTEXT/60535/65252/E01RUS01.htm>

For analyses of its contents, see Petr Biziukov, “Trudovyye konflikty v postsovetsoi Rossii,” *Kak zashchishchaiut trudovyye prava v Rossii* (Moscow, 2011); Olimpieva, “Labor Unions in Contemporary Russia, pp. 274-275.

[28] *Social and Economic Indicators of the Russian Federation: 1991-2014*, Federal State Statistical Service of the Russian Federation, available in English at: http://www.gks.ru/free_doc/doc_2015/year/pril-eng15.htm. There was a sharp increase in reported strike activity in 2004 and 2005, mainly due to a spike in wage-arrears and the partial political opening connected with the Presidential election campaign of 2004. Once Putin was reelected and his power increasingly consolidated, the suppression of social mobilization resumed its previous course.

[29] Sarah Ashwin and Simon Clarke, *Russian Trade Unions and Industrial Relations in Transition*, (Basingstoke: Palgrave Macmillan, 2003), pp. 128-9; Irina Kozina, *Postsovetsoie profsoiuzi, Otechestvennie zapiski*, Number 4, 2007.

[30] See OECD.Stat at: https://stats.oecd.org/Index.aspx?DataSetCode=UN_DEN.

[31] *Obshchestvennoe Mnenie—2015*, (Moscow: Levada-Tsentr, 2016), p. 113.

[32] Petr Biziukov, “Trudovyye protesty v Rossii v pervoi polovine 2016 goda,” and “Trudovyye protesty v uiule i avguste 2016 goda,” *Tsentr sotsial’no-trudovikh prav*, <http://trudprava.ru/expert/analytics/protestanalyt/1712>; <http://trudprava.ru/news/protestnews/1731>. In looking at these numbers, one must take into account that protest activity in Russia tends to increase from September to December.

[33] Biziukov, “Trudovyye protesty v uiule i avguste 2016 goda.”

[34] See, respectively, *Novosti NEWS.ru*, “V Tol’iatti rabotniki ‘AvtoVAZagregata’ perekryli federal’nuu trassu, trebuia vyplatit’ dolgi zarplate,” August 29, 2016 (<http://txt.newsru.com/russia/29aug2016/tlt.html>); RFE/RL, “Disgruntled Truckers Bring Moscow Ring Road to a Standstill,” December 4, 2015 (<http://www.rferl.org/a/russia-truckers-protest-moscow-standstill/27407250.html>); *Gazeta.ru*, “Rabochie metallurgicheskovo zavoda na Urale ob”iavili golodovku,” 19.07.2016, (https://www.gazeta.ru/business/news/2016/07/19/n_8897777.shtml); and *URA.ru*, “Na Urale vstal zavod deputata-millionera. Rabotniki sidiat bez zarplatyi,” 09 avgusta 2016 (<http://ura.ru/news/1052257902>)

[35] Biziukov, “Trudovyye protesty v Rossii v pervoi polovine 2016 goda.”

[36] Strikes in the education and healthcare sectors are illegal, and most workers in those sectors do not consider walking out of their jobs acceptable in any case. Protests in these sectors generally are limited to meetings.

[37] *Tsentr sotsial’no-trudovikh prav*, “V TK RF vnesenyi izmeneniia, napravlennyie na zashchitu ot zaderzhkek zarplatyi,” July 8, 2016 (<http://trudprava.ru/expert/article/employart/1696>).

[38] Bikiuzov, “Trudovyye protesty v Rossii v pervoi polovine 2016 goda.”

[39] Olimpieva, p. 277.

[40] Tom Parfitt, “Unpaid spaceport workers appeal to Vladimir Putin with giant graffiti,” *The Telegraph*, 15 April 2015, (<http://www.telegraph.co.uk/news/worldnews/europe/russia/11540257/Unpaid-spaceport-workers-appeal-to-Vladimir-Putin-with-giant-graffiti.html>)

[41] Andrew E. Kramer, “Unpaid Russian Workers Unite in Protest Against Putin,” *The New York Times*, online version, April 21, 2015 (<http://www.nytimes.com/2015/04/22/world/europe/russian-workers-take-aim-at-putin-as-economy-exacts-its-toll.html>).

[42] *Obshchestvennoe Mnenie—2015*, (Moscow: Levada-Tsentr, 2016), Table 11.26, p. 150.